

«بچگی تو فراموش نکن» و فراموشی وعده به سینمای کودک

ندیده ها و نداشته ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان ستون ثابت نگارنده در روزنامه "اعتماد" در ایام جشنواره سی و یکم فجر، "ندیده ها و نداشته ها" بود.

*

*

میان فیلم هایی که باید امروز در گوشه ای از این جشنواره عریض و طویل حضور می داشتند، یکی شان حتی به مرحله پرکردن فرم شرکت در این دوره نرسید؛ چون به صاحبانش گفته شد که پروانه نمایش ندارند و نمی توانند در جشنواره حضور داشته باشند. این فیلم با نام بامعنای «بچگیتو فراموش نکن»، اتفاقاً به تهیه کنندگی نهادی که برگزارکننده اصلی جشنواره فجر است یعنی خود بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده و پیش از این هم باید به تبع موضوع و فضای کودکانه اش، در جشنواره سینمای کودک و نوجوان به نمایش در می آمد. اما به دلایلی که باورش برای هر خواننده طبعی این سطور، غیرممکن خواهد بود، فعلاً در محاق توقیف روزگار می گذراند.

ماجرای فیلم از این قرار است که فردی با ادعای دانش شیمی (فرهاد آیش) به ترکیبی دست می یابد که موش های بی رمق توی قفس را هاپیر و پر جنب و جوش می کند و بعد که آنها روی بچه های آدمیزاد آزمایش می کند، نتیجه عجیب و غریبی به دست می آید: پسر بچه ها و دختر بچه ها به طور ذهنی بزرگ می شوند و از همه ترس هایی که پیشتر داشتند، نجات می یابند و در امتداد این مسیر، حتی ادعای عاشقی می کنند و می خواهند به خواستگاری بروند و زندگی تشکیل دهند! بدیهی است که فیلم همان گونه که از نامش برمی آید، این سیر را تا جایی و در جهتی دنبال می کند که بچه ها از پیچ و خم های دنیای بزرگ ترها زده و دلزده شوند و به کودکی خود بازگردند. اما در بخش های میانی داستان که طبعاً طنز و فانتزی لازم با اصرار بچه ها به ازدواج، در فیلم جاری می شود، دوستان بسیار سلامت و خوشدل ما

به سمت عجیب ترین و ناپسندترین برداشت ها و استنباط های جنسی ممکن رفته اند و فیلم را مروج آنها پنداشته اند و جوهره معنایی کل اثر را از یاد برده اند!

برای مردمی که همیشه لحظه های جاری زندگی روزمره خود را طبیعی تر از این اتهامات و برداشت های کج و کعوج دیده اند، این که پسریچه ها و دخترپچه ها حتی در ابعاد سنی مهدکودک، شوخی هایی از قبیل «می خوایم با هم عروسی کنیم» ساز کنند، قدمتی چند دهه ای دارد و اتفاقاً فیلم با همین خط داستانی که این رفتار را نتیجه و عوارض معجون آن دانشمند خل وضع نشان می دهد، در حال آسیب شناسی آن (و نه تأییدش) است. ولی فقط لحظه ای نزد خود تصور کنید؛ کسی که این تمایلات کودکانه ساده و معصومانه و درعین حال شیطننت آمیز ولی طبعاً غیرجنسی بچه های خردسال را احیاناً اروتیک می نامد، چگونه می تواند عنوان مدیر «فرهنگی» را یدک بکشد؟ آیا این برخورد، جز در اذهان بارآمده با تفکر تک بعدی انتظامی، حتی قابل تصور است؟ چه رسد به قابل طرح!

تأکید بر این فیلم که بعد از فانتزی به شدت ایرانی «نخودی»، تجربه کودکانه اثربخش بعدی جلال فاطمی است، در این ستون نه فقط از این زاویه که داریم درباره نداشته ها و ندیده های این دوره جشنواره می نویسیم، بلکه ضمناً از این حیث صورت گرفت که ببینیم این مجموعه حتی با عرصه های مورد علاقه و وعده داده شده در شعارهایش (این جا، سینمای کودک) چه تنگ نظرانه و قرون وسطایی مواجه می شود؛ چه رسد به نقاطی که نشانی از خلاقیت و دغدغه های فردی هنرمند به چشم بخورد.